

تقدیم به: روح پاک مہر مہر استاد

گروہان خدا بر او باد

زہرای عزیز سفر کرده ام!

در قاموس هستی، واژه‌ای نمی‌یابم که بیانگر سوز فراق باشد. گویا از اہالی این دنیا نبود. در بہشت، ہمنامات زہرای مرضیہ علیہ السلام، از ما بہ تو عاشق تر بود. در شب تولد علت مبقیہی کائنات، حضرت زہرا علیہا السلام بہ ہمراہ فرشتگانی کہ برای تہنیت تولد مادر، بر امام عصر علیہ السلام نزول کردہ بودند، بہ آستان رحمت حق پر کشیدی و روح سبز در جوار رحمتش ماوا گرفت. فراموش شدنی نیستی. در سکوت پاک خانہ، صدای آسمانی ات جاری است. همچنان یاد پر مہرت پلی است بہ رؤیت خدا.

-
- | | |
|---------------------|---|
| سرشناسہ | : صادقی کاشانی، مرتضی، ۱۳۳۸- |
| عنوان و نام پدیدآور | : کلمات انبیاء <small>علیہم السلام</small> در بیان امیر بیان <small>علیہ السلام</small> : گزیدہ‌ای از چہار کتاب آسمانی در کلام حضرت امیرالمؤمنین <small>علیہ السلام</small> / مرتضی صادقی کاشانی؛ ویراستاری و بازبینی علمی سیدمجید سلیمان پناہ. |
| مشخصات نشر | : قم: فقه الثقلین، ۱۳۹۹. |
| مشخصات ظاہری | : ۲۰۸ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م. |
| فروست | : گفتار صادق؛ ۲. |
| شابک | : ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۸۰-۸-۷ |
| وضعیت فہرست نویسی | : فیپا |
| عنوان دیگر | : گزیدہ‌ای از چہار کتاب آسمانی در کلام حضرت امیرالمؤمنین <small>علیہ السلام</small> . |
| موضوع | : صادقی کاشانی، مرتضی، ۱۳۳۸- -- وعظ |
| موضوع | : علی بن ابی طالب <small>علیہ السلام</small> ، امام اول، ۲۳ قبل از ہجرت - ۴۰ ق -- احادیث |
| موضوع | : Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 -- *Hadiths |
| موضوع | : حسین بن علی <small>علیہ السلام</small> ، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق. |
| موضوع | : Hosayn ibn 'Ali, Imam III, 625-680 |
| موضوع | : اسلام -- مطالب گونه‌گون |
| موضوع | : Islam -- Miscellanea |
| شناسہ افزودہ | : سلیمان پناہ، سیدمجید، ۱۳۵۱-، ویراستار |
| ردہ بندی کنگرہ | : BP۱۱ |
| ردہ بندی دیوبی | : ۲۹۷/۰۲ |
| شمارہ کتابشناسی ملی | : ۶۱۴۸۸۲۱ |
-

گفت‌و‌گوش



گزیده‌ای از چهار کتاب آسمانی
در کلام حضرت امیر المؤمنین علی‌علیه السلام

شیخ مرتضی‌صادق کاشانی



انتشارات فقه الثقلین

قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ۲۷، فرعی ۵، پلاک ۱۶۲
کدپستی: ۳۷۶۶۴ - ۳۷۱۳۷ / صندوق پستی: ۹۶۷ - ۳۷۱۸۵
تلفن: ۰۸۰ ۳۷۸۳۵۱۰۱ / ۳۷۸۳۵۱۰۹ (۰۲۵)
مرکز بخش: ۳۷۸۳۵۰۹۰ - ۰۲۵

(۲)

گفت‌واری

کلام انبیاء علیهم السلام
در بیان میراث

[گزیده‌ای از چهار کتاب آسمانی]
[در کلام حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام]

شیخ مرتضیٰ صادق کاشانی



ناشر: انتشارات فقه الثقلین

ویراستاری و بازبینی علمی: سید مجید سلیمان پناه

طراح جلد و صفحه‌آرا: مرتضیٰ فتح‌الله

لیتوگرافی: نویس / چاپ: زمزم

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بها: ۴۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر، محفوظ است؛ و هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق چاپ، برداشت و کپی‌برداری تمام یا قسمتی از این اثر را خواه به صورت چاپ، فتوکپی و جزوه، ندارد. متخلفین به موجب بند (۵) از ماده‌ی (۲) قانون حمایت از حقوق ناشران و مؤلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

شابک: ۷-۸۰-۵۲۸۰-۶۰۰-۹۷۸



فهرست مطالب

- ۹ مقدمه
- ۱۱ پیشگفتار
- ۱۶ متن روایت امیرالمؤمنین علیه السلام

بخش اول

شرح بیان مولا علیه السلام / ۱۹

- ۲۱ • فراز اول: سکوت، رمز نجات
- ۲۱ شمه‌ای از فضائل حضرت علی علیه السلام
- ۲۴ زبان؛ نعمت بزرگ الهی
- ۲۵ صحت زبان، شرط صحت ایمان
- ۲۶ بانوان و گناهان زبانی
- ۲۸ فواید سکوت پسندیده
- ۳۰ سکوت؛ خلوت با خویشتن خویش
- ۳۰ پرحرفی؛ صفتی ناپسند
- ۳۲ مجازات گناهان زبانی
- ۳۳ زخم زبان یک کوفی به امام حسین علیه السلام
- ۳۴ گفتار سدید؛ مایه‌ی مغفرت و اصلاح اعمال

- ۳۶..... سلامت تمام اعضا در گرو صحت زبان
- ۳۷..... کم حرفی، نشانه‌ای از حکمت
- ۳۷..... گزینش لقمان از حکمت‌های پیامبران
- ۴۴..... خصال بهشتیان در کلام پیامبر اکرم ﷺ
- ۴۵..... پرهیز از سکوت در برابرستم
- ۴۷..... سرعت تأثیر آه مظلوم
- ۴۸..... آه مظلومانه‌ی زینب علیها السلام
- ۴۹..... گره بگشا تا گره‌هایت بگشایند
- ۵۰..... هشدار بهلول به هارون الرشید
- ۵۲..... ردیلت ناسزاگویی
- ۵۴..... شیعیان، دشنام‌گو نیستند
- ۵۵..... سنجیده‌گویی؛ ویژگی مهم مؤمنان
- ۵۶..... فضیلت آشتی دادن مؤمنان
- ۵۹..... مفضل و کبوتر بازان کوفه

- ۶۳..... • فراز دوم: قناعت، رمز استغنا
- ۶۳..... فضیلت قناعت
- ۶۶..... بخشندگی؛ نتیجه‌ی قناعت
- ۶۸..... پاسخ امیرالمؤمنین علیهم السلام به سخاوت یک شیعه
- ۷۰..... پرهیز از زهد منفی
- ۷۲..... معنای صحیح قناعت
- ۷۴..... ایمان، عافیت و قناعت؛ سه نعمت بزرگ الهی
- ۷۵..... عنایت امام رضا علیهم السلام نسبت به شیعیان
- ۷۶..... سائل قانع و سائل طمع
- ۷۹..... ابودر، الگوی قناعت و عزت نفس
- ۸۲..... تفکر؛ بیشترین عبادت ابادر
- ۸۵..... آزادگی ابادر، نتیجه‌ی قناعت او

- ۸۹..... • فراز سوم: ترک شهوت، رمز انیت
- ۸۹..... شش چیزی که برای مردم زینت داده شده
- ۹۳..... شمشیر دولبه‌ی غرایز
- ۹۴..... وابستگی شهوت‌پرستی خلفای جور
- ۹۶..... موسای عقل و فرعون نفس
- ۹۷..... اختیار؛ امانت الهی

۹۹	پاکدامنی یوسف علیه السلام در برابر وسوسه‌ی زلیخا
۱۰۱	پاکبازی؛ رمز عظمت امام حسین علیه السلام
۱۰۴	شهوت؛ عامل سقوط ابن ملجم
۱۱۲	جامعه‌ای اسیر شهوات

۱۱۳	فراز چهارم: توکل بر خداوند، رمز‌هایی
۱۱۳	کفایت خداوند برای اهل توکل
۱۱۴	توکل و مشتقات آن در قرآن
۱۱۶	معنای توکل
۱۱۹	خداوند، مهربان‌ترین وکیل
۱۲۱	توکل بر خداوند، رمز آرامش انسان
۱۲۳	هفت سال زندان یوسف علیه السلام نتیجه‌ی یک ترک اولی
۱۲۶	توکل؛ نتیجه‌ی ایمان به خداوند
۱۲۸	توکل و خشیت، دو ویژگی مؤمنان
۱۲۸	۱. ترس از خداوند
۱۲۹	۲. افزایش ایمان با شنیدن قرآن
۱۳۱	۳. توکل بر پروردگار
۱۳۱	معنای توکل از زبان جبرئیل
۱۳۳	با توکل زانوی اُشتر ببند
۱۳۵	تأثیرگذاری خداوند و تأثیرگذاری اسباب
۱۳۶	شرط کارساز بودن توکل
۱۳۶	امیدواری در عین ناامیدی؛ نشانه‌ای از توکل
۱۴۰	همراهی دعا با اجابت، شکر با ازدیاد، توکل با کفایت
۱۴۱	۱. همراهی دعا با اجابت
۱۴۲	۲. همراهی شکر با ازدیاد
۱۴۲	۳. همراهی توکل با کفایت
۱۴۳	سبب‌سازی معجزگونه‌ی خداوند
۱۴۵	سخن پایانی

بخش دوم

شرح مقام مولا علیه السلام / ۱۴۷

۱۴۹	• مقام اول: شب نوزدهم
۱۴۹	علی علیه السلام ، میزان اعمال



۱۵۲.....	فاطمه علیها السلام حقیقت شب قدر
۱۵۴.....	شب قدر؛ شب محک خویشتن با علی علیها السلام
۱۵۸.....	تشییع جنازه‌ی غلام محب علی علیها السلام
۱۵۹.....	حجرین عدی، نماد عشق ورزی به امیرالمؤمنین علیها السلام
۱۶۲.....	علی علیها السلام در میعادگاه شهادت

۱۶۷.....	• مقام دوم: شب بیست و یکم
۱۶۷.....	شرک؛ منشأ اضطراب‌های انسان
۱۷۰.....	شب قدر؛ شب نزول امر
۱۷۲.....	شب دعا به امام زمان علیها السلام
۱۷۳.....	توسل شیعیان بحرین به امام زمان علیها السلام
۱۷۸.....	آگاهی امام زمان علیها السلام از احوال نهانی شیعیان
۱۸۰.....	باطن متعفن گناه
۱۸۳.....	قرار با خدا در شب قدر
۱۸۴.....	اطاعت امر؛ نشانه‌ی عشق به اهل بیت علیهم السلام
۱۸۵.....	آخرین شب علی علیها السلام

۱۸۷.....	• مقام سوم: شب بیست و سوم
۱۸۷.....	فضیلت سومین شب قدر
۱۹۰.....	دعاهای معصومین در حق شیعیان
۱۹۰.....	۱. دعای امام زمان علیها السلام در حق پدر شیخ صدوق
۱۹۱.....	۲. دعای امام مجتبی علیها السلام در حق فردی سیاه‌پوست
۱۹۳.....	۳. دعای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در حق عمرو بن حنفی خزاعی
۱۹۴.....	۴. دعای امیرالمؤمنین علیها السلام در حق فضه
۱۹۹.....	• کتابنامه



مقدمه

کتاب حاضر، دومین کتاب از مجموعه‌ی «گفتار صادق» است که حاصل ده جلسه سخنرانی است که در سال ۱۳۹۵ در ماه مبارک رمضان در مسجد بابا ولی کاشان (آیت الله صبورى رحمته الله علیه) برگزار شده است.^(۱)

این کتاب به شرح روایت مهمی از امیرالمؤمنین علیه السلام می‌پردازد. جناب استاد شیخ مرتضی صادقی کاشانی، این روایت را با اتکا به آیات قرآن کریم، روایات معصومین علیهم السلام و قصص تاریخی و خاطراتی از زندگی انبیا و اولیا علیهم السلام و بزرگان دین، شرح داده و جلوه‌های زیبایی از مبانی اخلاق اسلامی را بیان نموده است.

در این روایت، امام علی علیه السلام از هریک از چهار کتاب آسمانی - تورات، انجیل، زبور و قرآن - یک جمله را برگزیده است. هر کدام از این جملات،

۱. نویسنده‌ی کتاب، بنا به وصیت مرحوم آیت الله صبورى رحمته الله علیه، از سال ۱۳۸۲ تا کنون در مسجد بابا ولی کاشان اقامه‌ی جماعت و ارشاد و سخنرانی دارند. (ویراستار)

موضوع یکی از فرازهای بخش اول این کتاب است:

«فراز اول» درباره‌ی آفات زبان و ویژگی‌ها و آثار سکوت ممدوح، پرهیز از سکوت در برابرستم، ردیلت ناسزاگویی و فضیلت سنجیده‌گویی است.
«فراز دوم» درباره‌ی تعریف صحیح قناعت و فضیلت آن، پرهیز از زهد منفی، قناعت در سیره‌ی معصومین علیهم السلام و اصحاب ایشان و همچنین موضوعات مربوط به این سنجیه‌ی اخلاقی است.

«فراز سوم» به عوارض شهوت پرستی و نتایج پاکدامنی می‌پردازد. در این فصل با استناد به داستان‌های تاریخی، نتایج پاکدامنی و عوارض شهوت پرستی بیان می‌گردد.

«فراز چهارم» پیرامون توکل بر خداوند و برکات آن می‌باشد. در این فصل مباحثی همچون «معنای توکل، کفایت خداوند برای متوکلان، تأثیر توکل به خدا بر آرامش انسان، رابطه‌ی ایمان با توکل، ضرورت نادیده نگرفتن نظام علت و معلولی، شرط کارساز بودن توکل و نشانه‌های اهل توکل» بیان می‌شود.

«بخش دوم» نیز حاوی سه سخنرانی در مورد شب‌های مبارک قدر است. مجموعه‌ی «گفتار صادق» حاصل چهل سال پژوهش و تبلیغ نویسنده است که شامل ده‌ها جلد کتاب خواهد شد. کتاب اول از این مجموعه با عنوان «در آغوش محبوب» - با مضمون استعاذه به خداوند - به چاپ رسیده است.



سیکف‌تار

قال الكاظم عليه السلام: أَلَزِمَ الْعِلْمَ لَكَ مَا ذَلَّكَ عَلَى صَلَاحِ قَلْبِكَ وَأَظْهَرَ
لَكَ فُسَادَهُ؛^(۱)

لازم‌ترین علم، آن است که تورا به پاک‌سازی دل (و تهذیب
باطن) رهبری کند و تباهی و فساد دل را بر تو آشکار سازد.

نیاز امروز، دیروز، فردا و همیشگی جامعه‌ی ما، نیاز اخلاقی و تربیتی بوده
و هست؛ چیزی که عملاً جایش در متن زندگی ما، خیلی کم‌رنگ یا خالی
است. همه‌ی ما اهل نماز، روزه، مسجد، ذکر، دعا و توسل هستیم، اما چیزی
که دل‌ها را سرد می‌کند و عامل دین‌گریزی افراد زیادی می‌شود، بی‌توجهی به
مبانی اخلاقی و عدم رعایت آن است.

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۳۳.



شاید ابتدا ساده به نظر آید، ولی وقتی دقیق می شویم، به آثار زیان بار عدم رعایت رفتارهای اخلاقی واقف می شویم. مثلاً می بینیم در بازار، اداره، کوچه، خیابان و خانواده، جایی که می توانستیم خشم و غضب خود را کنترل کنیم، نکردیم و از روی عصبانیت حرف های زشت زدیم و برخوردهای تند کردیم. لطمه ای این رفتارها فقط به ما وارد نمی شود، بلکه نسل جوان نیز وقتی رفتارهای ناهنجار ما نمازخوان ها و متدینین را می بینند، از دین بیزار می شوند.

تأثیر رفتار و کردار والدین بر فرزندان، بیش از نصیحت کردن است. زمانی که به فرزند انمان می گوئیم «دروغ گفتن بد است»، «دروغ گو دشمن خداوند است و جای دشمن خدا در جهنم است»، آنان به سبب ضمیر پاک و دل صافشان این سخنان را می پذیرند؛ ولی تا زمانی که از پدر و مادرشان دروغی نشنیده باشند! اما به محض اینکه اولین دروغ را بشنوند، تمام بافته های والدین پنبه شده و به ناگاه دیوار ایمان و اطمینان فرزند فرو می ریزد. تضادی که فرزند بین گفتار و رفتار والدین می بیند، زمینه ای می شود برای بی اثر شدن تمام نصیحت ها. فرزندان به اعمال ما نگاه می کنند، نه گفتار ما. آنان از اعمال ما الگو می گیرند. آنان همان گونه می شوند که ما «هستیم»، نه آن گونه که ما «می خواهیم»!

رابطه ای حکومت و مردم نیز به نوعی شبیه رابطه ای والدین و فرزند است. مردم به گفتار مسئولین نگاه نمی کنند، بلکه رفتار آنان را می نگرند. نقش مسئولین در یک جامعه نیز مانند نقش والدین در یک خانواده است. اگر مسئولین به راه صلاح بروند، مردم نیز کمابیش راه صلاح را می پویند و اگر آنان راه تباهی و فساد را در پیش بگیرند، جامعه نیز به سمت تباهی و فساد



خواهد رفت: «الناس علی دین ملوکهم»^(۱).

فساد حاکمان، بسیار خطرناک است؛ به ویژه اگر این حاکمان، خود را نماینده‌ی دین معرفی کنند، که در این صورت فساد آنان عامل دین‌گریزی بسیاری از افراد جامعه، مخصوصاً نوجوانان و جوانان می‌شود. وقتی نوجوان، با آن ضمیر پاک و مستعد و آماده و نورانی، این تضادها را می‌بیند، تمام تعالیم معرفتی و اخلاقی دین برایش زیر سؤال می‌رود.

تربیت فرزند را باید پیش از تولد او شروع کرد؛ یعنی اخلاق و تربیت از خود والدین شروع می‌شود و ابتدا آنان هستند که باید تربیت لازم را به دست آورده باشند و متخلق به اخلاق نیکو باشند. همه‌ی پیامبران، پیش از تربیت مردم، خودشان را تربیت کرده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیش از بعثت، به امانت‌داری، صداقت، پاکی، خوش‌خویی، ادب و مردم‌داری مشهور بود و هیچ کس حتی یک دروغ از او نشنیده بود؛ به طوری که او را «محمد امین» می‌نامیدند. خودش فرمود: «أَدْبَنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي: خداوند، مرا تربیت کرد و نیکو تربیتم کرد»^(۲).

فردی نزد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمد و در مقابل حضرت نشست و عرض کرد: «یا رسول الله، دین چیست؟». فرمود: «حُسْنُ الْخُلُقِ: اخلاق نیکو»^(۳). این فرد مکثی کرد تا ببیند ایشان مطلب دیگری هم می‌فرماید، اما پیغمبر چیز دیگری نفرمود. این فرد رفت و این بار از سمت راست پیامبر آمد و همین سؤال را پرسید: «ثُمَّ أَتَاهُ عَنْ يَمِينِهِ فَقَالَ: مَا الدِّينُ؟». شاید منظورش این بود که

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۴.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۸، ص ۲۲۲.

۳. همان، ج ۶۸، ص ۳۹۳.

اگر مطلب مفصل‌تری هم هست، من ظرفیتش را دارم. چون معصومین علیهم السلام در پاسخ، نگاه به ظرفیت افراد می‌کردند تا ببینند آن فرد چقدر آمادگی دارد. یکی به اندازه‌ی یک لیوان آب ظرفیت دارد و دیگری به اندازه‌ی یک کوزه و یکی نیز به اندازه‌ی دریا؛ همچنان‌که رسول مکرّم اسلام ﷺ می‌فرماید:

إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛^(۱)

ما گروه انبیا امر شده‌ایم که با مردم به اندازه‌ی عقلشان سخن بگوییم.

پیامبر ﷺ برای دومین بار به او فرمود: «حُسْنُ الْخُلُقِ».

آن فرد برای بار سوم از سمت چپ پیامبر آمد و باز همان سؤال را پرسید: «ثُمَّ أَتَاهُ مِنْ قِبَلِ شِمَالِهِ فَقَالَ: مَا الدِّينُ؟» پرسید: «آقا! دین چیست؟». حضرت باز هم فرمود: «حُسْنُ الْخُلُقِ».

پس از چند لحظه، برای بار چهارم از پشت سر حضرت آمد و باز همین سؤال را پرسید: «ثُمَّ أَتَاهُ مِنْ وَرَائِهِ فَقَالَ: مَا الدِّينُ؟». این مرتبه حضرت روی خود را به سمت او برگرداند و فرمود: «أَمَا تَفْقَهُ: أَيَا نَمِي فَهْمِي؟». «کنایه از اینکه مرتبه‌ی چهارم است که داری می‌آیی و این سؤال را می‌پرسی. سپس حضرت فرمود: «الدِّينُ هُوَ أَنْ لَا تَغْضَبَ: دین آن است که خشمگین نشوی».^(۲)

پیامبر اکرم ﷺ با این حدیث، آینه‌ای به دست ما داده است تا خودمان را در آن بینیم و اگر عیب و نقصی در خویش دیدیم، آن را برطرف کنیم.

امام سجّاد علیّه السلام از پدرش و ایشان از امیرالمؤمنین علیّه السلام نقل می‌کند که

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۳.

۲. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۹۳؛ مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۷۰.

فرمود: روی دسته‌ی شمشیر پیامبر ﷺ نوشته شده بود:

لَقَدْ صَمَّمْتُ إِلَى سِلَاحِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَوَجَدْتُ فِي قَائِمِ سَيْفِهِ مُعَلَّقَةً
فِيهَا ثَلَاثَةُ أَحْرُفٍ: صِلْ مَنْ قَطَعَكَ، وَأَحْسِنْ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ، وَقُلِ
الْحَقُّ وَلَوْ عَلَى نَفْسِكَ؛^(۱)

به شمشیر رسول خدا ﷺ نزدیک شدم، دیدم به عمود
شمشیر آن حضرت، سه جمله آویخته است: به کسی که از
تو بُریده است بپیوند، به کسی که به تو بدی کرده است خوبی
کن، و حق را بگو هر چند به زیان خودت باشد.

هر چند دستورات بالا به عنوان دستورالعمل زندگی از قرآن مجید متخذ
است، اما قرار دادن آن در عمود شمشیر، بسیار پرمعنا است. شمشیر برای
جنگ و نبرد است و ما با دیدن آن، یاد جنگ می‌افتیم؛ اما می‌بینیم که
روی شمشیر حضرت چنین چیزی نوشته شده بود! شاید هر کس دیگری
می‌خواست روی شمشیرش چیزی بنویسد، یک جمله‌ی حماسی
می‌نوشت؛ اما حضرت روی شمشیرش می‌نویسد: «صِلْ مَنْ قَطَعَكَ: به کسی
که از تو بُریده است، بپیوند». حال اگر حدیث قبلی را که فرمود «دین، حسن
خلق است»، با این حدیث کنار هم بگذاریم، محکی به دست می‌آوریم که
می‌توانیم عیار خودمان را با آن بسنجیم و ببینیم رفتارمان چقدر با این مبنا
هماهنگ است.

بنابراین انسان همواره نیازمند «اخلاق» و «تربیت» است. امروزه اخلاق
در زندگی بشر بسیار کم‌رنگ است. مسلمانان معمولاً برای نماز، روزه، ذکر،

۱. فاجعه‌ی جهل مقدس، سید مصطفی محقق داماد، ص ۱۵ به نقل از کتاب التلخیص الحیر، ابن حجر

عسقلانی، ج ۳، ص ۱۵.



کلمات انبیاء علیهم السلام در بیان امیر بیان

دعا و توسل بیش از اخلاق اعتبار قائل هستند. گویا از این سخن رسول مکرّم اسلام ﷺ غافل اند که: «حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ: اخلاق خوب، نیمی از دین است»^(۱). نبی خاتم ﷺ اخلاق را وسیله‌ی ارتباط بین انسان و خدا می‌داند:

جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ صَلَۀَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ عِبَادِهِ، فَحَسْبُ أَخْدِكُمْ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِخُلُقٍ مُتَّصِلٍ بِاللَّهِ؛^(۲)

خداوند سبحان، فضائل اخلاقی را وسیله‌ی ارتباط میان خود و بندگانش قرار داده است. همین بس که هر یک از شما دست به اخلاقی بزند که او را به خدا مرتبط سازد.

خداوند خود بزرگ‌ترین معلم اخلاق و مربی نفوس انسانی و منبع تمام فضائل است، و قرب و نزدیکی به ساحت مقدس او، جز از طریق تخلق به اخلاق الهی امکان‌پذیر نیست! بنابراین هر فضیلت اخلاقی رابطه‌ای میان انسان و خدا ایجاد می‌کند و او را گام به گام به خداوند نزدیک‌تر می‌سازد.

متن روایت امیرالمؤمنین علی

این روایت را از کتاب جامع الأخبار، نوشته‌ی تاج الدین محمد بن محمد بن شعیری، نقل می‌کنیم. شعیری، از علما و فقهای بزرگ شیعه در قرن ششم هجری است. او در سبب نگارش این کتاب، می‌نویسد: «از بیست سالگی در این اندیشه بودم که کتابی در باب زهد و خودسازی بنویسم؛ اما وقتی به

۱. خصال، صدوق، ج ۱، ص ۳۰.

۲. تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۲.

مردم زمانه نگاه می‌کردم، می‌دیدم مردم از این مباحث فراری‌اند و استقبالی از آن نمی‌کنند؛ از این رو من هم دلسرد می‌شدم. سال‌ها مردد بودم تا اینکه در هنگام تلاوت قرآن کریم، به این آیه برخورددم: «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»^(۱)؛ «و پند ده که مؤمنان را پند سود بخشد». همچنین روایاتی را دیدم که می‌گویند «هرکس دیگران را به خیر دعوت کند، مأجور است، هرچند دیگران به آن عمل نکنند». لذا دست به قلم بردم و کتاب جامع الأخبار را نوشتم. این کتاب از مصادر بحار الأنوار نیز هست.

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند:

قَرَأْتُ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ فَخِيزْتُ مِنْ كُلِّ كِتَابٍ
كَلِمَةً مِنَ التَّوْرَةِ مَنْ صَمَتَ نَجَا وَمِنَ الْإِنْجِيلِ مَنْ قَنَعَ سَبْعَ وَمِنَ
الزَّبُورِ مَنْ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ فَقَدْ سَلِمَ عَنِ الْآفَاتِ وَمِنَ الْفُرْقَانِ مَنْ يَتَوَكَّلْ
عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛^(۲)

من تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود و قرآن را خواندم.
پس، از هر کتاب یک کلمه (جمله‌ی حکیمانه و اخلاقی)
انتخاب کردم. از تورات: «هرکس سکوت کرد، نجات یافت».
از انجیل: «هرکس قناعت ورزید، سیر شد». از زبور: «هرکس
شهوات را ترک نمود، از آفات سالم ماند». از قرآن: «هرکس که
بر خدا توکل نمود، پس خداوند برایش کافی است».

اهمیت این گزینش آنگاه مشخص می‌شود که بدانیم امیرالمؤمنین علیه السلام
تا آنجا اشراف به کتب آسمانی نام برده دارد که می‌فرماید: «اگر قرار باشد بین

۱. ذاریات / ۵۵.

۲. جامع الأخبار، جلد ۱، صفحه ۱۸۳.

پیروان مذاهب حکم کنم، بین یهودیان طبق تورات، بین مسیحیان طبق انجیل و بین پیروان زبور با زبور و بین اهل قرآن با قرآن قضاوت می کنم».^(۱)

۱. «يَا سَيِّدُ أَنْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ مَا مِنْ رَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ حَزَبَ عَلَيْهِ الْمَوَاسِي إِلَّا وَقَدْ نَزَلَتْ فِيهِ آيَةٌ أَوْ ائْتَمَّانَ تَقُوْدُهُ إِلَى جَنَّةٍ أَوْ تَسُوْقُهُ إِلَى نَارٍ وَمَا مِنْ آيَةٍ نَزَلَتْ فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ أَوْ فِي سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ إِلَّا وَقَدْ عَرَفْتُ حِينَ نَزَلَتْ فِيْمَ أَنْزَلْتُ وَلَوْ تُنَبِّئُ لِي وَسَادَةٌ لِحَكْمَتِي بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِتَوَارِيهِمْ وَبَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِإِنْجِيلِهِمْ وَبَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِزُبُورِهِمْ وَبَيْنَ أَهْلِ الْقُرْآنِ بِقُرْآنِهِمْ» (من الأحاديث الثابتة أنَّ أمير المؤمنين عليه السلام أعلم الصحابة على الإطلاق. كنز العمال، ج ۱، ص ۲۲۸؛ طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۱۰۱؛ تهذيب التهذيب، ج ۷، ص ۳۳۷؛ الغدير، ج ۳، ص ۹۵؛ كفاية الطالب، ص ۲۰۷؛ حلية الأولياء، ج ۱، ص ۶۷؛ الاستيعاب، ج ۲، ص ۴۶۳؛ الفصول المختارة، سيد مرتضى علم الهدى، ص ۷۷)